

بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی^۱، مستانه بلگوریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۳۰

چکیده

طرد اجتماعی، فرایندی است که طی آن روابط بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نقض و سست می‌شود و در نتیجه، فرد در معرض انواع مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. از آنجا که فعالیت جوانان در عرصه‌های اجتماعی منوط به پذیرش آنها از سوی سایر افراد و گروه‌های اجتماعی است، این طردشدگی خود می‌تواند زمینه را برای بزهکاری آنان فراهم کند. در پیمایش حاضر رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری با نمونه‌ای ۱۰۰ نفری و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از دانشجویان دختر دانشگاه یزد بررسی شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. نتایج نشان می‌دهند که رابطه معناداری میان متغیرهای محل سکونت و وضعیت تأهل در احساس طردشدگی و بزهکاری وجود ندارد. اما میان طردشدگی و میزان درآمد خانواده و نوع شغل پدر و بزهکاری رابطه معناداری مشاهده می‌شود. همچنین هرچه احساس طردشدگی بیشتر می‌شود بر میزان بزهکاری افزوده می‌شود. تحلیل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که ۱۴/۵ درصد از متغیر وابسته (بزهکاری) توسط طردشدگی اجتماعی تبیین می‌شود.

کلیدواژگان

بزهکاری، دانشجویان دختر، دانشگاه یزد، طرد اجتماعی

۱. نویسنده مسئول، دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه یزد A_zare@yazduni.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد Belgorian_m@yahoo.com

مقدمه

طرد اجتماعی^۱ نقش مهمی در اسناد رسمی و مباحث سیاسی به دست آورده و توجه قابل ملاحظه‌ای را در میان علمای اجتماعی و سیاستگذاران به خود معطوف داشته است (غفاری، تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۷). طرد اجتماعی اصطلاحی است که معمولاً تعریف آن آسان نیست و همچنان تردیدهایی درباره فضای مفهومی آن وجود دارد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۴۶۶). از دیدگاه آمارتیا سن^۲ طرد اجتماعی به معنای ناتوانی در مشارکت یا ناتوانی عملکردی است (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۵). طرد اجتماعی از نظر گیدنز^۳ بیانگر راه و روش‌هایی است که طی آنها افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند و توجه ما را به طیف وسیع عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جمعیت است باز می‌دارد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۴۶۶). برخلاف گیدنز و سن، زیبرا در زمینه طرد اجتماعی دو بعد عینی / مادی (بیکاری، فقر و...) و بعد ذهنی / غیرمادی (شخصیت، سلامت روحی و روانی و...) را شناسایی کرده است. در این رابطه توجه وی بیشتر به بعد ذهنی / غیرمادی طرد اجتماعی است. زیبرا نقطه مشترک اشکال متعدد طرد را گسستگی فرد از روابط اجتماعی می‌داند. از نظر او گسستگی در پیوند اجتماعی و نیز در پیوند سمبولیک که هر فرد را در موارد عادی به جامعه‌اش مرتبط می‌سازد، وقتی رخ می‌دهد که فرد از یکی از قلمروهای اجتماعی طرد می‌شود و تمام روابطی که او را متصل با دیگران و هنجارهای مشترک نگه می‌دارد، از دست می‌دهد. همچنین او گسستگی را تا سطح گسستگی از خود و تصویری که انسان از خویش ساخته (هویت) تعمیم می‌دهد (قاضی‌نژاد و ساوالان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۵۱).

بیان مسئله

به‌رغم اینکه می‌توان مدعی شد طردشدگی اجتماعی همواره در جوامع وجود داشته است، نمی‌توان از تأمل در چرایی وجود آن چشم‌پوشی کرد. محور بروز طردشدگی اجتماعی، امری متفاوت است، یعنی همسان‌نبودن با گروه یا گروه‌های جمعیتی مسلط، غالب و صاحب‌قدرت. متفاوت‌بودن در موارد بسیار، به گروه‌هایی از جامعه جایگاه فرودستی می‌دهد. یک گروه

-
1. Social Exclusion
 2. Amartya sen
 3. Giddens

جمعیتی ممکن است به دلایل غیراکتسابی و در بسیاری از موارد ناخواسته، از قبیل جنس، قومیت، مذهب، سن، بیماری و طبقه اجتماعی در حاشیه گروه‌های اکثریت و مسلط قرار گیرد، طرد شود و به‌عنوان فرودست تعریف شود (اسمیت، ۲۰۰۰). گروه‌هایی نظیر سالخورده‌گان، معلولان، مجرمان، بیکاران، فقیران، کودکان خیابانی و شاید مهم‌ترین اینها، گروه‌های جوانان اغلب جزء مطرودین جامعه محسوب می‌شوند چراکه فعالیت‌های آنها نیز در میدان‌های اجتماعی منوط به پذیرش دیگر گروه‌ها و افراد جامعه است ولی از سوی جامعه تأیید نشده‌اند. فرصت‌های اجتماعی آنها در برابر افراد عادی جامعه بسیار محدود است و همین امر به کنار گذاشته شدن آنان از عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ختم می‌شود (قیصری، ۱۳۸۹). همچنین چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به‌صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. بنابراین، افرادی که منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی دارند یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدینشان رنج می‌برند، از سوی افراد جامعه مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و ناخواسته طرد می‌شوند. این‌گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این‌گونه بی‌مهری‌ها و معضلات روحی میان اعضای خانواده دست به ارتکاب جرائم و انواع انحرافات اجتماعی می‌زنند (عبدی، ۱۳۷۱: ۴۵۵). بنابراین، همان‌گونه که جامعه‌شناسان معتقدند بزهکاری پدیده‌ای اجتماعی و ناشی از طرز کار جامعه است و نمی‌توان آن را امری فردی و شخصی دانست. برخی از آنان معتقدند همان‌گونه که شخص، راه و رسم زندگی یا به‌اصطلاح هنجارهای اجتماعی را می‌آموزد به همان‌گونه نیز بزهکار در خرده‌فرهنگ بزهکاری سهیم می‌شود و نقش‌ها و یا وظایف بزهکار را می‌آموزد و نسبت به گروه بزهکاران احساس تعلق می‌کند (رابرتسون، ۱۳۷۲). این مسئله معمولاً زمانی روی می‌دهد که افراد به سن بلوغ می‌رسند، انتظاراتشان زیاد می‌شود و بعضی از آنها قادر به مواجه شدن با تقاضاهای آکادمیک و اجتماعی نیستند در نتیجه نگران وضعیت خود با همالانشان هستند. این‌گونه نقایص در این زمینه می‌تواند به طرد شدن از اجتماعی که خود منبع دیگر برای فشار برای همنوایی با دیگران است تبدیل شود (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۸۱).

از مباحث مطرح شده مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که انواع بزه به گواهی شماری از مطالعات و شواهد به‌دست‌آمده ریشه در محرومیت‌ها و طردشدگی اجتماعی افراد و گروه‌های خاص در جوامع مختلف دارد (قاضی‌نژاد و ساوالان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۲). به عبارت دیگر افراد و

نهادهایی که موقعیت‌های استراتژیک را در درون شبکه‌های اجتماعی اشغال کرده‌اند، می‌توانند به واسطه محروم کردن افراد یا گروه‌های خاص (مثلاً مهاجران، افراد با توانایی‌های پایین، بی‌خانمان‌ها و...) از کالاهایی مشخص (اشتغال، مسکن، تحصیلات، درآمد، پایگاه یا منزلت اجتماعی و قدرت) پدیده طرد را رقم بزنند (بلالی، ۱۳۸۹: ۹). به‌طورکلی، طرد اجتماعی، جریان و فرایندی چندبعدی، پویا و مزمن است که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را هم‌زمان و همراه با فرایندهای شکل‌گیری و تعامل میان آنها در بر می‌گیرد و در بستری از ویژگی‌های فردی (جنسیت، سن و نظایر آن)، شرایط موقعیتی و محیط اجتماعی-فرهنگی، افراد گرفتار فقر، تبعیض و محرومیت‌های چندگانه را آسیب‌پذیر ساخته و احتمال درگیر شدن و گرایش به رفتارهای پرخطر، از جمله بزهکاری را در آنها افزایش می‌دهد (قاضی‌نژاد و ساوالان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۵۱). بنابراین، عواملی که باعنوان جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌شوند، می‌توانند فرد را در استفاده صحیح از فرصت‌ها و وسایل نهادی شده برای رسیدن به اهداف فرهنگی و منطبق با قواعد و هنجارهای اجتماعی یاری کنند و از طرفی نیز به‌عکس در متابعت نکردن وی از هنجارهای اجتماعی و تبدیل شخص به یک بزهکار اجتماعی نقش دارند (نواح و کوپایی، ۱۳۹۱: ۱۳۹). به همین دلیل نیز این متغیرها در بیشتر پژوهش‌ها مطرح و در تحلیل‌ها بررسی می‌شوند. همچنین زنان و جوانان در اغلب جوامع، از جمله گروه‌های پرخطر محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر داشتن شرایط و حوادث مطرودمساز نظیر جنسیت، سن، محرومیت‌های مادی، محرومیت‌های اجتماعی و نظایر آن به‌طور هم‌زمان و در تلاقی با یکدیگر، ممکن است احتمال طرد شدن در چنین گروه‌هایی را بسیار قوت ببخشد به نظر می‌رسد تداوم طرد و محرومیت‌های زنان و دختران به اشکال گوناگون و در حوزه‌های مختلف در جامعه، زمینه مساعد و بالقوه برای درگیر شدن پیش از پیش آنان با انواع آسیب‌ها از جمله پدیده بزهکاری را فراهم آورد (قاضی‌نژاد و ساوالان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۴۶).

اهداف پژوهش

در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده است تا به هدف کلی طرح یعنی تبیین رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر و همچنین بررسی رابطه میان متغیرهای اقتصادی، اجتماعی (مانند سن، محل سکونت، وضع تأهل، شغل پدر و درآمد خانواده) با مسئله طرد اجتماعی و بزهکاری اجتماعی پرداخته شود.

ضرورت پژوهش

هرچند بزهکاری در تمام گروه‌های جمعیتی جامعه مسئله‌ای جدی و قابل بررسی است، اما در جمعیت زنان آن هم در میان دانشجویان که از لحاظ حیثیت، موقعیت و پرستیژ فکری و اجتماعی فعلی و آینده، با بقیه همگنان خود متفاوت‌اند، بااهمیت‌تر جلوه می‌کند. پرستیژ بالای اجتماعی و فکری دانشجویان سبب می‌شود جامعه انتظار داشته باشد رفتارهای انحرافی در بین آنان چندان دیده نشود. با وجود این، مواردی از گسترش انحرافات اجتماعی در بین این گروه دیده می‌شود که نگرانی‌هایی را در پی داشته است (علی‌وردی‌نیا، ابراهیمی، صالح‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴). چراکه در این دوره از چرخه زندگی به دلایل روان‌شناختی و فردی و مختصات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و حاشیه‌ای بودن جوانان، احتمال شکل‌گیری گرایش‌های کجروانه بیشتر می‌شود (ایار، خانی، خضری، ۱۳۹۱: ۱۰). شیوع روزافزون رفتارهای انحرافی برابر است با هدررفتن پتانسیل‌های خلّاق و سازنده جامعه و عوارض بسیار ناخوشایندی به همراه دارد که جبران آن هزینه‌های فراوانی می‌طلبد. همه کسانی که به نحوی با دانشجویان سروکار دارند، لزوم آشنایی با مسائل و مشکلاتی که در واقع شالوده بحران‌های رفتاری به‌ویژه رفتار اجتماعی آنان است، برایشان امری ضروری است و هرگونه ناآشنایی با این مسائل ممکن است سبب تشدید واکنش‌های زمینه‌ساز در بروز رفتارهای غیرعادی خطرناکی شود که می‌تواند دامنگیر جامعه هم شود (علی‌وردی‌نیا، ابراهیمی و صالح‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴). درنهایت فرضیه اصلی بر این اساس قرار دارد که انزوای اجتماعی، بیگانگی و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را افزایش دهد و به‌عکس مشارکت و صور گوناگون آن مانند همیاری، همکاری، همبستگی و پذیرش و تأیید از سوی دیگران می‌تواند به کاهش جرم کمک کند (توسلی، ۱۳۷۲).

پیشینه تجربی پژوهش

همه کسانی که کوشیده‌اند رفتار آدمی را تحلیل کنند و در این‌باره مطالعاتی انجام داده‌اند، معتقدند افرادی که احساس می‌کنند مورد پذیرش و محبت واقع نمی‌شوند از این محرومیت‌ها، چه واقعی و چه خیالی، به‌شدت آسیب می‌بینند (کوواراکیوس، ۱۳۶۷: ۳۵). به‌طور مثال، سیگل و سنا^۱ نیز معتقدند، پذیرش و طرد توسط گروه، اثرات عمیقی بر روی رفتار نوجوانان دارد. جوانان پذیرفته‌شده، در مدرسه و مکان‌های اجتماعی به‌خوبی عمل می‌کنند. به‌عکس جوانانی

که به وسیله همسالان خود طرد شده‌اند، احتمال بیشتری دارد که رفتار پرخاشگرانه نشان دهند و در فعالیت‌های گروه از طریق رفتار ضد اجتماعی، خلل وارد کنند (سیگل و سنا، ۱۹۹۷). باندورا و والتز^۱ (۱۹۵۹) در مطالعات خود نشان دادند که والدین افراد بزهکار در قیاس با والدین افراد غیربزهکار بیشتر طردکننده و کم‌محبت بودند. همچنین رابطه آنان با پسران خود بیشتر ظالمانه و توأم با غفلت بوده است (به نقل از ماسن و کانگر، ۱۹۷۴). فارنیگتون^۲ (۱۹۸۹) نیز گزارش کرده است که مانند مطالعه قبلی وی که در سال‌های پیش انجام شده بود، نوجوانان بزهکار از خانواده‌هایی برخاسته‌اند که ارتکاب جرم در آن به صورت خانوادگی وجود داشته است و تنبیه خشن بدنی، طرد کودک و بی‌ثباتی انضباط ممکن است کودک را برای رفتار ضد اجتماعی، پرخاشگرانه و بزهکارانه آماده کند (به نقل از گال، ۱۹۸۹: ۸۷). پاترنوستر و مازرولی^۳ (۱۹۹۴) نیز یک مدل علی، میان فشار عمومی با کنترل اجتماعی، همنشینی با همالان بزهکار و رفتار بزهکارانه برقرار کردند (پاترنوستر، مازرولی، ۱۹۹۴: ۲۳۵-۲۶۳). وارن و جانسون^۴ (۱۹۸۹) هم بیان کردند جوانانی که با غفلت والدین خود مواجه شده یا دچار فقدان صمیمیت خانوادگی بوده‌اند، احتمال بیشتری داشت که درگیری بزهکارانه و خلاف‌هایی مانند فرار از خانه و مدرسه داشته باشند (به نقل از سیگل و سنا، ۱۹۹۷). ماسن^۵ (۱۹۸۶) معتقد است، پژوهش‌های باثبات قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند که شیوه‌های انضباطی به‌کاررفته درباره بزهکاران تا اندازه‌ای محدود و همراه با تنبیه بدنی به جای توضیح‌دادن برای آنها بوده است. روابط آنان با یکدیگر بیشتر مبتنی بر خصومت، فقدان روح همبستگی، طرد، بی‌تفاوتی، نفاق و یا بی‌احساسی بوده است (ماسن، ۱۹۸۶: ۲۵۴). یوسفی افراکتی (۱۳۸۳)، هم در پژوهش خود نشان می‌دهد که طرد فرزندان از سوی والدین، درنهایت به جهت‌گیری منفی در زندگی منجر خواهد شد. یافته‌های پژوهش‌های قریشی‌زاده و ترابی (۱۳۸۱)، ممتازی (۱۳۸۲)، فروغی (۱۳۸۲)، حجتی و همکاران (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که طرد افراد از خانواده و دسترسی‌نداشتن به فرصت‌های برابر در جامعه، موجب گرایش افراد به فعالیت‌های بزهکارانه (اعتیاد) می‌شود (به نقل از طیبی، ابوالقاسمی، محمود علیلو، ۱۳۹۱: ۵۵). همچنین پژوهش انجام‌شده به‌وسیله

-
1. Bandura & Walters
 2. Farrington
 3. Paternoster and Mazerolle
 4. Warren & Johnson
 5. Mussen

راهب (۱۳۸۰) در زمینه بزهکاری نوجوانان دختر در تهران، نشان می‌دهد که شیوه تربیتی مستبدانه و غفلت و بی‌توجهی والدین، در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است. عواملی مانند نوع شغل والدین، و زندگی در محله‌های شلوغ از عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به بزهکاری است (راهب، ۱۳۸۰). نتایج بررسی احدی و محسنی (۱۳۷۰) که بر روی دانش‌آموزانی انجام شد که بنا به گزارش مربیان، معاونان و مدیران مدرسه تخلف دزدی و سایر اختلالات رفتاری را مرتکب شده بودند، نیز نشان می‌دهد که درآمد پدر بر بزهکاری دانش‌آموزان تأثیر گذاشته است اما محل سکونت ارتباطی با بزهکاری دانش‌آموزان نداشته است (به نقل از احدی، ۱۳۷۱).

چارچوب نظری

از آنجا که در این پژوهش، رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری بررسی می‌شود سه توضیح و تبیین عمده در رابطه با آن مطرح است. نخستین توضیح مربوط به نظریه کنترل اجتماعی^۱ یا نظریه پیوند اجتماعی است. این نظریه پیش‌تر به وسیله هیرشی (۱۹۶۹)^۲، مطرح شده است. براساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، پیوندهای فرد با نهادهای اجتماعی، مهم‌ترین عامل در کنترل رفتارهای بزهکارانه است. با ضعیف‌شدن یا شکسته‌شدن این پیوندها، محدودیت‌هایی که اجتماع برای اعضای خودش قرار داده است، برچیده می‌شود و برخلاف بسیاری نظریه‌های دیگر، نظریه کنترل اجتماعی فرض می‌کند که تمام افراد به‌طور بالقوه بزهکار و جنایت‌کارند و اینکه کنترل‌های اجتماعی - نه نگرش‌های اخلاقی، سبب حفظ قانون و نظم می‌شوند. بدون کنترل اجتماعی و نبود علاقمندی به دیگران، یک جوان آزاد است تا مرتکب اعمال جنایی شود (رجائی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸). به نظر هیرشی هرچه احساس پیوستگی با دیگران از طرف فرد قوی‌تر باشد، شخص کمتر خود را مشغول فعالیت‌های جنایی می‌کند. از نظر او هرچه احساس وظیفه فرد در مقابل جامعه بیشتر باشد، از طریق اشتراک در فعالیت‌های اجتماعی سهم بیشتری از زندگی اجتماعی می‌برد و خطر ارتکاب جرم به‌وسیله چنین شخصی کمتر می‌شود. همچنین هرچه دخالت شخص در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه زیادتر باشد، وقت و انرژی یا فرصت کمتری برای کجروی برایش باقی می‌ماند. به اعتقاد او فردی که خود را تحت‌تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای هم‌نوا بودن و رعایت قوانین در نظر

1. Social control theory

2. Hirschi

نمی‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۲۱). هیرشی معتقد است که اجزای تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد زیر است:

ارتباط با سایر افراد؛ پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که نتایجی برای آینده دارد و اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و امثال آن. به نظر او هریک از موارد سه‌گانه فوق در هر مورد خاص، می‌تواند موجد هم‌نوایی و نیز علت ناهم‌نوایی و کج‌روی باشد (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۹).

بنابراین، نظریه کنترل اجتماعی بر این اصل بنا شده است که اگر روابط ضعیف باشد، فرد فشار کمتری برای هم‌نوایی احساس می‌کند و اگر رابطه قوی باشد، فرد چیزهای زیادی را دارد که اگر کج‌روی کند از دست خواهد داد، پس هم‌نوایی می‌کند (صدیق، ۱۳۷۳: ۴۳). همچنین باید به این مسئله مهم نیز توجه داشت که کنترل اجتماعی، سبب می‌شود فرد به واسطه تعلق به گروه‌های اجتماعی از ارزش‌های آنها پیروی کند (کوئن، ۱۳۷۹: ۲۱).

نظریه بازدارندگی اجتماعی (نظریه شرم‌نده‌سازی): جان بریتویت^۱ هم مانند هیرشی علت وجود هم‌نوایی در جامعه را کنترل رفتار افراد توسط عوامل مختلف می‌داند، اما هیرشی شیوه این کنترل را «پیوند» فرد با جامعه می‌داند درحالی‌که بریتویت از کنترل افراد توسط جامعه از طریق شرم‌نده‌سازی متخلف بحث می‌کند. به نظر وی شرم‌نده‌سازی نوعی ابزار تأییدنشدن اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت در شخص خلافکار است. بریتویت از دو نوع شرم‌نده‌سازی صحبت می‌کند: ۱. شرم‌نده‌سازی جداکننده که طی آن کج‌رفتار، مجازات، بدنام، طرد و در نتیجه از جامعه هم‌نویان تبعید می‌شود و ۲. شرم‌نده‌سازی پیونددهنده که ضمن اعلام درک احساس کج‌رفتار و نادیده گرفتن تخلف وی و حتی ابراز احترام به او، نوعی احساس تقصیر در او ایجاد و (فرض شده که) نهایتاً او را از ادامه کج‌رفتاری بازداشته و از بازگشت او به جمع هم‌نویان استقبال می‌کند (تیو، ۲۰۰۱: ۲۸-۲۹؛ کاهان، ۱۹۹۷؛ بریتویت، ۱۹۸۹ به نقل از ادیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶).

بر اساس نظریه برچسب^۲، جوانان ممکن است به دلایل مختلفی مانند روابط ضعیف خانوادگی، تضادهای طبقاتی، فشار گروهی، ناهنجاری‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی و تجربه‌های یادگیری قوانین را نقض کنند. بی‌توجه به این علل، رفتار جوانان بزهدکار به وسیله عوامل قانونی و مدیران مدرسه، تشخیص داده شده و برچسب اجتماعی منفی به آنها داده

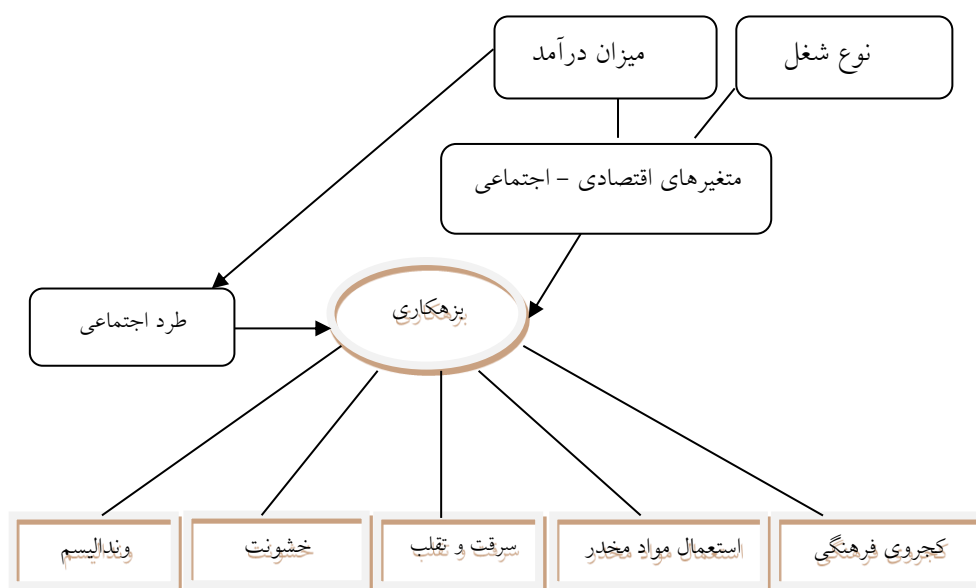
1. John Braithwaite
2. Labeling theory

می‌شود که می‌تواند در تمام زندگی همراه آنها باشد. این برجسب شامل «جوان بزهکار»، «بیمار روانی»، «عقب‌مانده ذهنی»، «دزد»، «قاتل» و غیره است. برجسب و داغ‌زدن به ایجاد یک هویت جدید منحرف کمک می‌کند. کسانی که در معرض برجسب‌های منفی جامعه هستند، تجربه خود-طرشدگی^۱ را خواهند داشت و خود-انگاره^۲ آنها پایین خواهد آمد. در چنین شرایطی احتمال رفتار بزهکارانه در فرد بالا خواهد رفت (رجائی، ۱۳۸۱: ۴۸).

مدل تحلیلی و فرضیه‌های پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات پیشین و چارچوب نظری مطرح‌شده (نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، نظریه بازدارندگی اجتماعی و نظریه برجسب، از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، به دلیل اینکه اجزای درونی آن برای تبیین موضوع پژوهش قدرت و قابلیت تبیین بیشتری دارد، استفاده شده است)، می‌توان دو فرضیه را در قالب مدل نظری زیر ارائه کرد.

۱. بین طرد اجتماعی با میزان بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.
۲. متغیرهای اقتصادی، اجتماعی مانند: سن، محل سکونت، وضع تأهل، شغل پدر و درآمد خانواده و با میزان طرد اجتماعی و بزهکاری اجتماعی رابطه معناداری دارد.



1. Self- Rejection
2. Self- Concept

روش‌شناسی

اعتبار و روایی پرسشنامه

پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی^۱ و با روش مقطعی^۲ انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری در پژوهش حاضر را دانشجویان دختر دانشگاه یزد به تعداد ۵۳۵۰ نفر تشکیل می‌دهند که از این تعداد، ۱۰۰ نفر از طریق فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. برای محاسبه حجم نمونه بهینه از رابطه کوکران به صورت زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{Z^2 pq}{d^2}$$

که در آن n حجم نمونه، Z متغیر تصادفی نرمال استاندارد، p و q احتمالات مرتبط با توزیع برنولی و d درصد خطای برآورد است. برای محاسبه حجم بهینه نمونه معمولاً $p = q = 0.5$ فرض شده و بر این اساس رابطه فوق حداکثر حجم نمونه را به دست می‌دهد. در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($z = 1.96$) و با فرض خطای برآورد ($d = 0.1$) حجم بهینه نمونه رقمی حدود ۹۶ برآورد می‌شود که در این پژوهش حجم نمونه ۱۰۰ در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر به منظور برآورد روایی ابزار اندازه‌گیری، از نظر متخصصان استفاده شده است. به عبارتی اعتبار به کاررفته از نوع اعتبار صوری است. بدین ترتیب که پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار صاحب‌نظران، متخصصان و استادان علوم اجتماعی قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آنها، اصلاحات لازم انجام شد. بدین طریق اعتبار صوری ابزار تأمین شد. همچنین برای سنجش پایایی مقیاس‌های استفاده‌شده از آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است. در واقع آلفای کرونباخ از عمومی‌ترین شیوه‌های بررسی پایایی ابزارهای سنجش است. (ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مطالعه‌شده بالاتر از ۰/۷۵). بوده که نشان‌دهنده بالابودن ضریب همسانی درون (آلفا) آنها بوده است (جدول ۱).

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده از نرم‌افزار spss و از روش آماری (آزمون‌های t ، f ، ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیره) استفاده شده است.

-
1. Survey
 2. Cross-sectional

جدول ۱. طرد اجتماعی و بزهکاری و آلفای آنها

بزهکاری نوجوانان		طرد اجتماعی				مقیاس
کجروی فرهنگی	استعمال مواد مخدر و الکل	سرقت و تقلب	خشونت	وندالیسم	-	مؤلفه‌ها
۴	۲	۵	۵	۴	۳۳	تعداد گویه‌ها
۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۷۲	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۷۶	آلفای کرونباخ

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی مفهومی چندبعدی است که ابعاد اقتصادی-اجتماعی و سیاسی دارد. طرد، راندن به حاشیه و گسستگی از عواملی است که فرد را اجتماعی می‌کند؛ به حاشیه راندن از مدرسه، محل اصلی اجتماعی شدن، عدم پذیرش یا ناتوانی از حضور (حسینی، صفری، ۱۳۸۷: ۲۶۶). در هر گونه نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی که انسجام اجتماعی شخص در جامعه را تعیین می‌کند، طرد دلالت بر عمل دارد. به عبارتی افراد به واسطه شرایط و تصمیم‌هایی بیرون از قدرت کنترل آنها طرد می‌شوند. طرد اجتماعی، عمدتاً به مسائل رابطه‌ای نظیر تضعیف در پیوندهای اجتماعی، تعلق‌نداشتن، انزوا و گسست از شبکه‌ها و حمایت‌های اجتماعی اشاره دارد (فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

تعریف عملیاتی

طرد اجتماعی در واقع نوعی طرد و رانده شدن را می‌رساند و معمولاً در برابر پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرد. به همین دلیل نیز در پژوهش حاضر از مقیاس تغییر شکل داده آزمون پذیرش اجتماعی کراون و مارلو^۱ برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

1. Crowne & Marlowe

براساس این مقیاس: گروهی از انسان‌ها همیشه مطابق با نظرات و اعتقادات خود صحبت می‌کنند. اگر از آنها درباره موضوعی سؤال شود با صداقت به سؤالات پاسخ می‌دهند، در عقاید خود ثابت‌قدم هستند و در هر شرایطی پاسخ یکسان به سؤالات می‌دهند، حتی اگر پاسخ‌های آنها طرد اجتماعی به دنبال داشته باشد. گروهی دیگر طوری حرف می‌زنند که توسط دیگران تأیید شوند. اگر از آنها درباره موضوعی سؤال شود، طوری پاسخ می‌دهند که فکر می‌کنند دیگران دوست دارند آن طور پاسخ داده شود. همچنین سعی می‌کنند با قواعد و هنجارهای اجتماعی سازگاری نشان دهند و از طرد اجتماعی در امان بمانند. این پرسشنامه ۳۳ گویه دارد که به صورت صحیح یا غلط پاسخ داده می‌شود. پاسخ‌های آزمودنی‌ها به وسیله کلید مقیاس تطبیق داده می‌شود و جمع مطابقت پاسخ‌ها با کلید مقیاس نتیجه کلی را برای هر فرد مشخص می‌کند. در این مقیاس اشخاصی که بین ۰ تا ۸ امتیاز به دست می‌آورند، افرادی هستند که پاسخ‌های آنان پذیرش اجتماعی را به دنبال ندارد و احتمالاً طرد می‌شوند. اشخاصی که بین ۹ تا ۳۳ امتیاز به دست آورده‌اند، طوری به سؤالات پاسخ می‌دهند که از طردهای مردم در امان باشند و با قواعد و هنجارهای اجتماعی، سازگاری نشان می‌دهند (گنجی، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر این افراد در تلاش برای اجتناب از طرد شدن، پاسخ‌های دوستانه و مقبول‌تری را ارائه می‌دهند. در ادامه چند نمونه از سؤالات این پرسشنامه در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. گویه‌های متغیر طرد اجتماعی

متغیر	گویه
طرد اجتماعی	هرگز با کسی که افکارش مخالف من بوده است، مخالفت نکرده‌ام.
	همیشه آماده هستم تا به خطای خود اعتراف کنم.
	شیوه نشستن من بر سر میز غذا، در رستوران و خانه یکسان است.
	همیشه به شیوه لباس پوشیدن خود دقت می‌کنم.
	به‌طور آگاهانه چیزی نگفتم که فردی را آزرده‌خاطر کنم.

بزهکاری

بزهکاری کنشی است مبین ضعف تعلق جمعی و در نتیجه نارسایی تفکیک‌پذیری

اجتماعی و نبود توازن بین تمایل جامعه‌پذیری - جامعه‌ستیزی که در شخصیت کنشگر ایجاد می‌شود (محمدی اصل، ۱۳۸۳: ۶۱). بزهکاری طیفی از رفتار است که هم به تخلف از قانون و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون‌شکنی رسمی اطلاق می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۳). و نیز به اعمالی اشاره دارد که منع قانونی دارد (طالبان، ۱۳۸۳: ۱۵). بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. در تعریف رفتار بزهکارانه به‌طور کلی، قرن‌هاست اعمالی مانند: قتل، دزدی، نزع، تخریب، کلاهبرداری، تجاوز، غارت، وحشیگری و آتش‌افروزی به‌منزله رفتار بزهکارانه پذیرفته شده است و تقریباً همه جوامع برای آن تعریف مشخصی دارند. دورکیم^۱ جامعه‌شناس فرانسوی بزه را چنین تعریف می‌کند: «هر عملی وقتی جرم محسوب می‌شود که احساسات قوی و مشخص وجدان جمعی (گروهی) را جریحه‌دار سازد» (مشکانی، ۱۳۷۷: ۸۵-۸۷).

تعریف عملیاتی بزهکاری: در این پژوهش برای سنجش متغیر بزهکاری ۵ بعد در نظر گرفته شده است که عبارت است از: وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الکل و کجروی‌های فرهنگی (طالبان، ۱۳۸۳). با توجه به تعاریف و ابعاد ارائه‌شده، برای هر یک از ابعاد تعدادی شاخص عینی در نظر گرفته شده است که عمدتاً از پژوهش‌های پیشین گرفته شده است و در نهایت وسیله ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. برای بعد وندالیسم، شاخص‌های تخریب وسایل عمومی شهر و تخریب وسایل درون خانه استفاده شده است. درگیری خیابانی و تهدید و ترساندن دیگران نیز به‌منزله شاخص‌های خشونت و پرخاشگری انتخاب شده‌اند. شاخص‌های دزدی و تقلب شامل این موارد می‌شوند: برداشتن وسایل مغازه و تقلب در امتحانات. شاخص‌های کجروی فرهنگی شامل مزاحمت تلفنی، بی‌احترامی به معلم است. در نهایت برای بعد استعمال دخانیات و مواد (مخدر) و الکل، کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی استفاده شده است (خواجه نوری و هاشمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹).

جدول ۳. معرف‌های متغیر بزهکاری

متغیر	شاخص	گویه
وندالیسم		آیا تا کنون پیش آمده به منظور تلافی یا انتقام صندلی اتوبوس را
		پاره کنید؟
خشونت		چقدر پیش آمده است که به اموال و اثاثیه خانه صدمه وارد کنید؟
		تا کنون پیش آمده دیگران را در خیابان کتک زده یا مجروح کنید؟
سرقت و تقلب		تا کنون پیش آمده با تهدید و زور از کسی پول بگیرید؟
		تا کنون پیش آمده بدون اجازه وسایل مغازه را بردارید؟
بزهکاری		تا کنون پیش آمده در امتحانات تقلب کنید؟
		تا کنون پیش آمده به صورت تلفنی مزاحم دیگران شوید؟
کجروی‌های فرهنگی		تا کنون پیش آمده به معلم خود بی‌احترامی کنید؟
		تا کنون سیگار کشیده‌اید؟
استعمال مواد مخدر و الکل		تا کنون پیش آمده مواد مخدر یا مشروبات الکلی مصرف کنید؟

پرسشنامه متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی (متغیرهای زمینه‌ای)

منظور از متغیرهای زمینه‌ای در این مطالعه، متغیرهایی هستند که در مقایسه با متغیرهای تبیین‌گر اصلی، نقش زمینه‌ساز را ایفا می‌کنند. این پرسشنامه که توسط پژوهشگر ساخته شده است، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی را که به نظر می‌رسد در رفتار جوانان تأثیرگذارند در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از: سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، نوع رشته تحصیلی، نوع شغل پدر و میزان درآمد خانواده.

یافته‌های پژوهش

در مجموع، دامنه سنی پاسخ‌دهندگان بین (۱۸ تا ۳۰) سال است. ۹۸ درصد پاسخ‌گویان در شهر و تنها ۲ درصد در روستا زندگی می‌کنند. ۷۸ درصد مجرد و ۲۲ درصد متأهل‌اند. ۵۶ درصد در

مقطع تحصیلی کارشناسی، ۴۴ درصد مقطع کارشناسی ارشد و ۵۸ درصد در رشته‌های علوم انسانی، ۲۳ درصد در رشته‌های فنی مهندسی و ۱۹ درصد علوم پایه مشغول به تحصیل هستند. شغل پدر ۴۷ درصد آزاد، ۳۵ درصد دولتی، ۱۵ درصد بازنشسته است. میزان درآمد، ۳۴ درصد پایین، ۳۷ درصد متوسط و ۲۹ درصد بالاست.

جدول ۴. نتایج آزمون t برای مقایسه میزان طرد اجتماعی با محل سکونت و وضعیت تأهل

متغیر	مقولات	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
محل سکونت	شهر	۱۵/۳۹	۹/۳۵	۱/۳	۰/۹۹
	روستا	۱۵/۷	۱۹/۷		
وضعیت تأهل	مجرد	۱۵/۸۰	۸/۶۴	۰/۳۲	۰/۷۵
	متاهل	۱۴/۹	۱۲/۱۰		

با توجه به اطلاعات جدول ۴ و با توجه به سطح معناداری و تی محاسبه‌شده، تفاوت معناداری میان طرد اجتماعی با محل سکونت و وضعیت تأهل دانشجویان وجود ندارد. چنانکه ملاحظه می‌شود، میانگین نمره طرد اجتماعی در افراد ساکن در شهر ۱۵/۳۹ و افراد ساکن در روستا ۱۵/۷ درصد است، همچنین میانگین نمره طرد اجتماعی در افراد مجرد ۱۵/۸۰ و در افراد متاهل ۱۴/۹ درصد است. بنابراین، رابطه معناداری میان طرد اجتماعی با محل سکونت و وضعیت تأهل دانشجویان وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون t برای مقایسه میزان بزهکاری اجتماعی با محل سکونت و وضعیت تأهل

متغیر	مقولات	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
محل سکونت	شهر	۱۷/۷۷	۵/۷۶	۴/۱۳	۰/۰۶۵
	روستا	۱۳	۱/۴۱		
وضعیت تأهل	مجرد	۱۸/۰۹	۶/۰۸	۰/۸۵	۰/۱۸
	متاهل	۱۶/۸۵	۴/۱۴		

با توجه به اطلاعات جدول ۵ و با توجه به سطح معناداری و تی محاسبه‌شده تفاوت

معناداری میان بزهکاری اجتماعی با محل سکونت و وضعیت تأهل دانشجویان وجود ندارد. همچنان که مشاهده می‌شود میانگین نمره بزهکاری اجتماعی در افراد ساکن در شهر ۱۷/۷۷ و افراد ساکن در روستا ۱۳ درصد است، همچنین میانگین نمره بزهکاری اجتماعی در افراد مجرد ۱۸/۰۹ و در افراد متأهل ۱۶/۸۵ درصد است. به عبارت دیگر با اینکه میانگین نمره بزهکاری اجتماعی در افراد ساکن شهر و افراد مجرد بیشتر است، این تفاوت معنادار نیست.

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین نوع شغل پدر و درآمد ماهیانه پاسخ‌گو با میزان طرد اجتماعی

متغیر	سطوح هر متغیر	میانگین	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	F	سطح معناداری
نوع شغل پدر	آزاد	۱۵/۲۹				
	دولتی	۱۵/۷۵	۳۳/۳۷۸	۷۱۶/۳۸۸	۱/۴۹۷	۰/۴۷
	بازنشسته	۱۴/۹۲				
میزان درآمد ماهیانه	پایین	۱۵/۱۱				
	متوسط	۱۵/۷۵	۱۲۰/۹۶۳	۶۴۹/۹۹۳	۵/۲۴	۰/۰۰۲
	بالا	۱۶/۲				

با توجه به اطلاعات جدول ۶ و با توجه به سطح معناداری و f محاسبه شده تفاوت معناداری بین طرد اجتماعی با نوع شغل پدران دانشجویان وجود ندارد. به عبارت دیگر با آنکه میانگین نمره طرد اجتماعی در دانشجویانی که شغل پدر آنها آزاد بوده است ۱۵/۲۹ و در دانشجویانی که پدرشان به کار دولتی مشغول بوده‌اند ۱۵/۷۵ و در بازنشستگان ۱۴/۹۲ درصد بوده است اما این تفاوت معنادار نبوده است. همچنین با توجه به اطلاعات جدول بالا تفاوت معناداری بین طرد اجتماعی با میزان درآمد خانواده دانشجویان مشاهده می‌شود. به این ترتیب با افزایش درآمد خانواده، میزان طرد در آنها کاهش می‌یابد.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس بین نوع شغل پدر و درآمد ماهیانه پاسخ‌گو با میزان بزهکاری

سطح معناداری	F	درجه آزادی درون گروهی	درجه آزادی بین گروهی	میانگین	سطوح هر متغیر	متغیر
۰/۰۴	۲۹۵/۳	۵۰۴/۲۷۹۷	۴۵۳/۳۰۴	۱۶/۶۸	آزاد	نوع شغل پدر
				۱۹/۲۴	دولتی	
				۱۸/۴۶	بازنشسته	
				۱۶/۷۸	پایین	میزان درآمد ماهیانه
۰/۵۱۴	۰/۷۷۰	۵۳۰/۳۰۱۷	۴۵۹/۷۷	۱۸/۵۹	متوسط	
				۱۸/۷۲	بالا	

با توجه به اطلاعات جدول ۷ و با توجه به سطح معناداری و f محاسبه شده تفاوت معناداری بین میزان بزهکاری اجتماعی با نوع شغل پدران دانشجویان مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که میانگین نمره بزهکاری اجتماعی در دانشجویانی که شغل پدر آنها آزاد بوده است ۱۶/۶۸ و بیشترین میانگین نمره بزهکاری اجتماعی با میانگین ۱۹/۲۴ درصد در دانشجویانی دیده می‌شود که شغل پدر آنها دولتی بوده است. همچنین با مشاهده اطلاعات جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت، تفاوت معناداری بین بزهکاری اجتماعی با میزان درآمد خانواده دانشجویان وجود ندارد.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی متغیرها و طرد اجتماعی

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرها
۰/۰۳۳	۰/۲۱۳	بزهکاری
۰/۵۱	۰/۰۶۶	سن

با توجه به اطلاعات جدول ۸ و با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ۰/۲۱۳ و سطح معناداری ۰/۰۳۳ بین طرد اجتماعی با بزهکاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به این معنا

که هر اندازه که طرد اجتماعی بیشتر باشد، میزان بزهکاری نیز افزایش می‌یابد. همچنین با توجه به اطلاعات جدول فوق بین طرد اجتماعی با سن رابطه معناداری وجود ندارد.

تبیین بزهکاری براساس متغیر مستقل طرد اجتماعی

به منظور تبیین موضوع مورد نظر یعنی بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری از رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام^۱ استفاده شده است. در مجموع از چند متغیر مستقل وارد شده به معادله رگرسیون، تنها متغیر مستقل طرد اجتماعی در این تحلیل باقی ماند که مقدار (ضریب همبستگی) آن $F=0/213$ و R^2 (ضریب تعیین) $0/145$ است و این نشان می‌دهد ارتباط مثبت و معناداری بین این متغیر با میزان بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد وجود دارد و طرد اجتماعی $14/5$ درصد تغییرات متغیر وابسته (بزهکاری) را تبیین می‌کند.

جدول ۹. نتایج رگرسیون چندمتغیره برای تأثیر متغیرها و ضرایب مربوط به آن

مدل	R^2	R	Adjusted R Square	F	Sig
رگرسیون	0/145	0/213	0/036	4/6	0/033

همچنین مدل رگرسیون تبیین شده نیز براساس آزمون تحلیل واریانس انجام شده مثبت و معنادار است ($f=4/6$ و سطح معناداری $sig=0/033$) است.

جدول ۱۰. نتایج رگرسیون چندمتغیره برای تأثیر متغیر مستقل وارد شده و ضرایب مربوط به آن

متغیرهای مستقل	ضرایب خام	ضرایب استاندارد شده	t	Sig
	B	Beta		
مقدار ثابت α	7/87	-	1/7	0/088
طرد اجتماعی	0/127	-0/213	-2/16	0/033

در مجموع براساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به ضرایب بتای استاندارد نشده ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت (α) برابر $7/87$ ، و طرد اجتماعی با $0/127$ در بزهکاری سهم معنادار دارد.

1. Stepwise Method

خلاصه و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه میان طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که میان طرد اجتماعی و بزهکاری در دانشجویان دختر رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است. این بدین معناست که هرچه میزان طرد اجتماعی در افراد بیشتر باشد، تمایل به بزهکاری نیز در آنها افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت طرد اجتماعی به منزله پیش‌بین مشکلات رفتاری ضد اجتماعی و بزهکاری عمل می‌کند و در اکثر افرادی که احساس طردشدگی دارند، احتمال شکل‌گیری گرایش‌های کجروانه بیشتر می‌شود. همچنین این پژوهش در راستای پژوهش‌های پیشین که توسط یوسفی افراکتی (۱۳۸۳)، قریشی‌زاده و ترابی (۱۳۸۱)، ممتازی (۱۳۸۲)، فروغی (۱۳۸۲)، حجتی و همکاران (۱۳۸۹)، سیگل و سنا (۱۹۹۷)، باندورا و والتز (۱۹۵۹) و وارن و جانسون (۱۹۸۹)، ماسن (۱۹۸۶)، پاترنوستر و مازرولی (۱۹۹۴) و فارینگتون (۱۹۸۹) انجام شده است و نتایج پژوهش آنان نیز بیانگر این مسئله است که طرد افراد از خانواده و دست‌رسی‌نداشتن به فرصت‌های برابر در جامعه، موجب گرایش افراد به رفتارهای بزهکارانه می‌شود. همچنین تنبیه خشن بدنی، طرد و طرد اجتماعی و بی‌ثباتی در انضباط، ممکن است افراد را برای رفتار ضد اجتماعی، پرخاشگرانه و بزهکارانه آماده کند و پایین‌بودن سطح ابراز عواطف در خانواده نقش تعیین‌کننده در گرایش افراد به سمت بزهکاری دارد. به عبارت دیگر طرد افراد در نهایت به جهت‌گیری منفی در زندگی و گرایش آنان به بزهکاری منجر خواهد شد. همچنین مهم‌ترین برجسته‌ترین متغیر در تبیین گرایش افراد به رفتارهای بزهکارانه، متغیرهای اقتصادی-اجتماعی از جمله محل سکونت، درآمد، شغل و... است. در بیشتر پژوهش‌ها که این متغیر در آنها مطرح و در تحلیل‌ها وارد شده، تأثیر انکارناپذیر آن بر افراد جامعه نمایان است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میان طرد اجتماعی و بزهکاری با محل سکونت، وضعیت تأهل و سن رابطه معناداری وجود ندارد. اما میان طرد اجتماعی و میزان درآمد خانواده رابطه معنادار مشاهده می‌شود. همچنین میان بزهکاری اجتماعی و نوع شغل والدین دانشجویان نیز رابطه معناداری وجود دارد، چراکه کمترین میزان بزهکاری در میان دانشجویانی مشاهده می‌شود که پدران‌شان دارای مشاغل آزاد بودند و بیشترین میزان بزهکاری در دانشجویانی وجود داشت که پدران آنها مشاغل دولتی داشتند. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های راهب (۱۳۸۰) و احدی و محسنی (۱۳۷۰) که نشان می‌دهند نوع شغل والدین، از عوامل مؤثر در گرایش افراد به بزهکاری است و محل سکونت ارتباطی با بزهکاری دانش‌آموزان نداشته است، همخوانی

دارد. اما با دیگر نتایج به دست آمده توسط احدی و محسنی (۱۳۷۰) و راهب (۱۳۸۰) که گزارش کرده‌اند درآمد پدر و زندگی در محله‌های شلوغ بر بزهکاری دانش‌آموزان تأثیر گذاشته است مطابقت ندارد. در خصوص توجیه نتایج بررسی حاضر می‌توان اظهار داشت که: احتمالاً جوانانی که والدینشان موقعیت‌های شغلی بهتر را در جامعه اشغال کرده‌اند به دلیل فراهم کردن شرایط مناسب زندگی و امکانات بیشتر و ارضای مناسب نیازها، کمتر به سمت رفتارهای بزهکارانه سوق می‌یابند. همچنین با افزایش میزان درآمد خانواده، طرد اجتماعی نیز در آنها کاهش می‌یابد در مقابل می‌توان در خانواده‌هایی با درآمد کم طرد اجتماعی بیشتری را مشاهده کرد. بدین معنا که منزلت اقتصادی پایین احتمالاً به معنای حیثیت یا احترام پایین‌تر و در نتیجه طرد اجتماعی بیشتر است. و افراد با درآمد پایین به دلیل فشارهای مختلفی که بر آنها وارد می‌آید منجر به طرد آنان از اجتماع می‌شود.

دلالت‌های نظری و تجربی نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در آرای هیرشی، بنیان‌گذار نظریه کنترل اجتماعی، مورد توجه قرار داد چراکه براساس نظر او کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف و گسسته می‌شود و یا به عبارتی احساس پیوستگی فرد نسبت به جامعه و افراد همچنین میزان دخالت فرد در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی کاهش یابد و بر مبنای نظریه پیوند اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوند آنها با جامعه سست‌تر است و احتمال کج‌رفتاری بیشتر خواهد شد و پیوندهای قوی و سالم با افراد و نهادهای اجتماعی، از بروز رفتارهای بزهکارانه افراد جلوگیری می‌کند. خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد این پیوند هستند. در نهایت می‌توان گفت به دلیل طرد اجتماعی رابطه بین افراد در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند دچار نقص و قطع می‌شود که گاهی این امر خود می‌تواند زمینه را برای بزهکاری آنان فراهم کند.

منابع

۱. ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۱) «مرور و معرفی کتاب: طرد اجتماعی: علل و پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۸۰-۱۷۵.
۲. احدی، حسن (۱۳۷۱) «بررسی عوامل روانی-اجتماعی دزدی و انحرافات جنسی در نوجوانان». مجله تربیت، سال هشتم، شماره ۶، صص ۲۱-۱۲.
۳. احمدی، سید احمد (۱۳۷۸) روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، چاپ هشتم، تهران: نخستین.
۴. ادهمی، جمال و همکاران (۱۳۹۰) کلان‌شهر تهران و تکدیگری، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

۵. ایار، علی، خانی، سعید، خضری، فرشید (۱۳۹۱) «بررسی نقش حمایت و کنترل اجتماعی در ارتکاب جرم؛ مطالعه‌ای در میان جوانان مجرم و عادی شهر ایلام»، فصلنامه دانش/انتظامی، سال چهاردهم، شماره ۳، صص ۳۹-۹.
۶. بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹) «طرد اجتماعی اقوام در آیینة آمار: بررسی بودجه‌های استان‌های ترک‌نشین و کردنشین» مجله مطالعات اجتماعی/ایران، دوره چهارم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۹-۱.
۷. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۲) آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی، طرح اجراشده در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۸. حسینی، حسن، صفری، فاطمه (۱۳۸۷) «معلولیت، فقر و طرد اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۲۸۴-۲۶۵.
۹. خواجه نوری، بیژن، فاطمه هاشمی‌نیا (۱۳۹۰) «رابطه تعارضات والدینی با بزهکاری»، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۳۸-۱۹.
۱۰. رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه‌شناسی، با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش متقابل. ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. راهب، غنچه (۱۳۸۰) «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
۱۲. رجائی، علی‌رضا (۱۳۸۱) «نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر»، نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۷۴-۴۵.
۱۳. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۳) آسیب‌شناسی اجتماعی، واحد آموزش جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، شاخه علوم اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۱۴. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۳) «تحلیل واریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷، تهران: سازمان ملی جوانان، صص ۳-۳۴.
۱۵. طیبی، کلثوم، ابوالقاسمی، عباس، محمود علیلو، مجید (۱۳۹۱) «مقایسه حمایت و محرومیت اجتماعی در معتادان به مواد مخدر و داروهای روان‌گردان و افراد بهنجار»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان، (پیاپی ۴۸) صص ۵۵.
۱۶. عبدی، عباس (۱۳۷۱) آسیب‌شناسی اجتماعی، قم: نشر سپهر.
۱۷. علی‌وردی‌نیا، اکبر، ابراهیمی، قربانعلی، صالح‌نژاد، صالح (۱۳۹۰) «بررسی جامعه‌شناختی انتخاب‌های عقلانی بر رفتارهای انحرافی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه» مجله بررسی مسائل اجتماعی/ایران، سال دوم، شماره پنج و ششم، بهار و تابستان، صص ۱۶۸-۱۴۳.
۱۸. غفاری، غلام‌رضا و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴) «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۷-۱.
۱۹. فیروز‌آبادی، احمد، صادق، علی‌رضا (۱۳۸۹) «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی»، مجله بررسی مسائل اجتماعی/ایران، سال اول، شماره اول.

۲۰. قاضی نژاد، مریم، ساوالان پور، الهام (۱۳۸۷) «بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱۳۹-۱۸۰.
۲۱. قیصری، سودابه (۱۳۸۹) «علل یأس اجتماعی در جوانان ایران»، *فصل نو، مجله اینترنتی علوم اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۶-۵۴.
۲۲. کواراکیوس، ویلیام. س (۱۳۶۷) *بزهکاری نوجوانان: مسئله‌ای برای دنیای مدرن*، ترجمه جعفر نجفی‌زند، تهران: نشر نمایشگاه کتاب کودک.
۲۳. کوئن، بروس (۱۳۷۹) *میانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی، چاپ یازدهم، انتشارات سمت.
۲۴. گنجی، همزه (۱۳۸۴) *پرسشنامه‌های ارزشیابی شخصیت*، تهران: انتشارات ساوالان.
۲۵. گیدنز، آنتونی، بردسال، کارن (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: چاپ اول، نی.
۲۶. مشکانی، زهرا سادات (۱۳۷۷) «آزمون تجربی نظریه تقاطعی در بزهکاری کودکان و نوجوانان تهران بزرگ»، *مجله دانشکده پزشکی*، ص ۸۵-۸۷.
۲۷. محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۳) *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن.
۲۸. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۳) *فصلنامه مطالعات جوانان*، نشر سازمان جوانان، شماره ۶ ص ۱۰۱-۵۹.
۲۹. ممتاز، فریده (۱۳۸۱) *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: سهامی انتشار.
۳۰. نواح، عبدالرضا، کوپایی، محمدباقر (۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز» *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۲، بهار، صص ۱۴۳-۱۳۱.

31. Gale, A., & chpman, A. (1989). Psychology and social problems: AN- Introduction to Applied Psychology. New York: john Wiley & Sons Inc. p: 87.
32. Hirshi, T. (1969). Causes of delinquency. Berkeley, Cal: university of California press.
33. Mussen, P., & Conger, J. & Kagan, j. (1986). Child development and personality (3 rd Ed). New York/: Harper and Row.
34. Mussen, P., & Conger, J. & Kagan, j. (1974). Child development and personality (4 rd Ed). New York/: Harper and Row.
35. Paternoster, Raymond and mazerolle (1994). General strain theory and Delinquency: A Replication and Extension, journal of Research in crime and Delinquency, No-30 235-263.
36. Siegel, Larry, (1998). Criminology London: Wadsworth publishing company.
37. Smith, Janie Percy, (2000). Introduction: The Contours of Social Exclusion, in: Janie Percy, Smith (Ed) Policy Responses to Social Exclusion: toward Inclusion? Open University Press.
38. Siegel, L. J. senna, J. J., (1997). Juvenile delinquency: theory, practice and law. (6nd Ed). St. Paul: west.